

Jurisprudential Analysis of Hoarding Cases of in the Light of Government Intervention in the Market

Jamshid Asgarramaki¹

1. PhD member of the faculty of law department, Varamin branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 185-204

Article history:

Received: 26 Sep 2022

Edition: 31 Oct 2022

Accepted: 12 Dec 2022

Published online: 9 April 2023

Keywords:

Hoarding, Cases, Market and government, Price increase, Monopoly.

Corresponding Author:

Jamshid Asgarramaki

Address:

Iran, Varamin, Islamic Azad University, Varamin Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-2653-9595

Tel:

09121019370

Email:

Jamshid asgarramaki@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Hoarding is one of the important economic issues that impacts economic order and stability. In this article, an attempt has been made to examine the examples of hoarding in the light of the government's involvement in the market from a jurisprudential and legal point of view.

Materials and methods: The present paper is descriptive and analytical using library method.

Ethical considerations: In the present paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are respected.

Findings: Most of the jurists consider the examples of hoarding to be limited to a few food items because they are essential food items. From the point of view of famous jurists, hoarding is forbidden, and the most important conditions for the realization of hoarding are the detention and storage of goods, the needs of the people, the lack of another seller, and the intention to increase the price. From the legal point of view, hoarding is considered a crime, and keeping it with the intention of increasing the price and monopoly is considered as hoarding. On the other hand, from the perspective of Islam, the government has the right to interfere in the economy and regulate the market in order to achieve justice and fair distribution of facilities and economic order and stability.

Conclusion: If the necessity and need in the society is established, the order to ban hoarding can be extended to all edible and non-edible goods that are necessary for human life today, and all the effects and rulings of hoarding can be arranged on them. In fact, since the government has the right to intervene in the market and the basis for banning hoarding is the essential needs of people's lives and preventing the double increase of prices, therefore, based on the right to intervene in the market, the government can deal with hoarding in order to achieve economic order and give examples of it to generalize other items.

Cite this article as:

Asgarramaki J. Jurisprudential Analysis of Hoarding Cases of in the Light of Government Intervention in the Market. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022-2023.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

بررسی فقهی حقوقی مصادیق احتکار در پرتو دخالت دولت در بازار

جمشید عسگر رمکی^۱

۱. عضو هیأت علمی گروه حقوق، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: احتکار از موضوعات مهم اقتصادی است که بر نظم و ثبات اقتصادی تاثیرگذار است. در این مقاله تلاش شده است تا مصادیق احتکار در پرتو دخالت دولت در بازار از منظر فقهی و حقوقی بررسی شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری داده‌ها از روش کتاب-خانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. **یافته‌ها:** عموم فقها مصادیق احتکار را در چند قلم مواد غذایی محدود می‌دانند به دلیل اینکه جزو کالاهای خوراکی ضروری هستند. احتکار از دیدگاه مشهور فقها حرام است. حبس و نگهداری کالا، نیاز و احتیاج مردم، فقدان فروشنده دیگر و قصد افزایش قیمت، مهم‌ترین شرایط تحقق احتکار است. از منظر حقوقی نیز احتکار جرم تلقی می‌شود و نگهداری به قصد افزایش قیمت و انحصار، به منزله احتکار است. از دیدگاه اسلام، دولت در راستای تحقق عدالت و توزیع عادلانه امکانات و نظم و ثبات اقتصادی، حق دارد در اقتصاد و تنظیم بازار دخالت کند.

نتیجه‌گیری: اگر ضرورت و نیاز در جامعه احراز شود، حکم تحریم احتکار را می‌توان به تمام کالاهای خوراکی و غیرخوراکی مورد نیاز ضروری زندگی امروزه بشر تعمیم داد و تمام آثار و احکام احتکار را بر آن‌ها مترتب ساخت. چون دولت حق مداخله در بازار را دارد و مبنای ممنوعیت احتکار، مایحتاج ضروری زندگی افراد و پیش‌گیری از افزایش مضاعف قیمت‌هاست، حکومت بر اساس حق دخالت در بازار می‌تواند در راستای تحقق نظم اقتصادی با احتکار مقابله کند و مصادیق آن را به اقلام دیگر تعمیم دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۵-۲۰۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

واژگان کلیدی:

احتکار، مصادیق، بازار و دولت، افزایش قیمت، انحصار.

نویسنده مسئول:

جمشید عسگر رمکی

آدرس پستی:

ایران، ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۲۱۰۱۹۳۷۰

کد ارکید:

0000-0002-2653-9595

پست الکترونیک:

Jamshid_asgarramaki@yahoo.com

۱. مقدمه

مسئله دخالت دولت در تنظیم بازار مورد پذیرش فقه قرار گرفته است. نگاهی به وظایف دولت از دیدگاه اسلام بیانگر، تعهدات اقتصادی دولت است که شامل دخالت در بازار نیز می‌شود. امام خمینی معتقد است که وظایف دولت اسلامی شامل مورد زیر است: «۱. اجرای نظام اقتصادی اسلام و حرکت دادن جامعه به سمت اهداف نظام. ۲. نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی برای پیش‌گیری از تخلفات. ۳. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت هدایت فعالیت‌های بخش خصوصی. ۴. انجام فعالیت‌هایی که بخش خصوصی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به آن‌ها بپردازد. ۵. انجام فعالیت‌هایی که بخش خصوصی برای تحقق آن‌ها توانا است ولی اجرای آن به وسیله بخش خصوصی مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ۳۱۳). بررسی موارد مذکور بیانگر این امر است که «نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی برای پیش‌گیری از تخلفات» و «برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت هدایت فعالیت‌های بخش خصوصی» با بحث دخالت دولت در بازار ارتباط مستقیم و تنگنایی دارد و دولت حق دخالت در بازار را دارد. یکی از مبانی دخالت دولت در بازار پیش‌گیری از احتکار است. احتکار سبب می‌شود عده‌ای به ناحق صاحب ثروتی شوند و عده‌ای ضرری را متحمل شوند. احتکار یکی از راه‌های تجاوز به اموال دیگران و تصاحب حاصل کسب و کار مشروع افراد است که این عمل باعث به دست آوردن سودی بی‌دلیل و ناعادلانه می‌شود و ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی و اجرای عدالت ایجاب می‌کند، به هیچ‌کس اجازه داده نشود تا با استفاده از راه‌های نامشروع اقتصادی سودهای کلان

به دست آورد. این عمل خلاف عدالت اجتماعی است، و روحیه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تعاون و همکاری را بی‌معنا می‌کند، اجتماع را به دو قطب غنی و فقیر، سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌کند، طمع‌کاری و خودخواهی را گسترش می‌دهد، حقوق دیگران را پایمال می‌کند و در نهایت آثار ناخوشایندی در جامعه به جای می‌گذارد که موجب اخلال در نظم اجتماعی و ایجاد مشکلات اقتصادی می‌شود. بر اساس دیدگاه مشهور فقها، احتکار عبارت است از حبس اقلام شش‌گانه: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن، نمک که به انتظار افزایش قیمت و نیاز مردم به این اقلام، نگهداری شود و عرضه‌کننده دیگری در دسترس نباشد. مسئله مورد بحث و تحقیق در این مقاله استنباط و استخراج ملاک و ضابطه حکم حرمت احتکار اقلام شش‌گانه رایج در فقه و در نتیجه بحث در خصوص امکان تعمیم و سرایت حکم تحریم احتکار یا عدم آن به کالاهای مورد نیاز و ضروری زندگی امروزه مثل دارو، اتومبیل، موبایل و امثال آن است. در خصوص احتکار تألیفات زیادی انجام شده است: عظیمی گرگانی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای روایات احتکار در مذاهب اسلامی را به صورت تطبیقی بررسی کرده است. اسماعیلی و عباسیان (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای از بررسی حقوقی احتکار و تطبیق آن با قاعده فقهی تسلیط بحث کرده‌اند. خزائی و سیادت و لیالی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای امکان‌سنجی تطبیق افساد فی الارض بر احتکار مایحتاج عمومی مردم را بررسی کرده‌اند. مصادیق احتکار در پرتو دخالت دولت در بازار چندان مورد توجه قرار نگرفته است که در مقاله حاضر تلاش شده است این موضوع مهم تحلیل شود. پرسش اساسی این است که مصادیق احتکار در پرتو

توزیع عادلانه امکانات و نظم و ثبات اقتصادی، حق دارد در اقتصاد و تنظیم بازار دخالت کند.

۵ بحث

۵-۲. مفهوم فقهی و حقوقی احتکار

احتکار در لغت از ریشه «حکر» گرفته شده است که به معنای ظلم و بدرفتاری در معاشرت است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۶۴؛ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۴۲۷). در اصطلاح عبارت است از اینکه کسی طعامی را بخرد و آن را نگه دارد تا در بازار کمیاب شود و قیمت آن گران شود (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۷، ج ۱، ۴۱۷).

فقه‌های امامیه در تعریف اصطلاحی احتکار بیانات متفاوتی دارند شیخ انصاری به پیروی از بسیاری از فقه‌های پیشین، مسئله را اصولاً با عنوان احتکار الطعام، بیان می‌کند و تعریف آن را از اهل لغت بدین گونه بیان می‌دارد: «یعنی احتکار طعام، جمع کردن و یا حبس کردن آن به منظور گران شدن می‌باشد» (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۶۳)؛ در مقنعه شیخ مفید این گونه بیان شده است: «احتکار، نگهداری خوراکی‌ها است در شرایطی که اهل شهر بدان نیازمندند و در ارتباط با آن دچار کمبود و تنگنا می‌باشند» (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ۶۱۶).

احتکار عبارت است از انبار کردن ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم به هدف کمبود کالا و افزایش قیمت (میرزاجانی بیجارپی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲۴-۲۰۳). امروزه احتکار در معنای عام، تنها شامل مواد غذایی نیست، بلکه هر نوع محصول کشاورزی، معدنی و صنعتی را در برمی‌گیرد (مرتاضی و همکاران

دخالت دولت در بازار حصری است یا قابل تعمیم به سایر اقلام و کالاها و نیز مبنای تعمیم احتکار به سایر اقلام چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که از منظر فقهی، احتکار محدود به چند قلم کالای خوراکی است؛ اما بر مبنای ضرورت و ضروری بودن کالای مورد نیاز جامعه حکم احتکار قابل تعمیم به سایر اقلام نیز است. به منظور بررسی پرسش و فرضیه مذکور ابتدا احتکار و شرایط تحقق آن در فقه بررسی و در ادامه از مصادیق احتکار و تعمیم آن به سایر اقلام بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: عموم فقها، مصادیق احتکار را به دلیل اینکه جزو کالاهای خوراکی ضروری هستند در چند قلم مواد غذایی محدود می‌دانند. احتکار از دیدگاه مشهور فقها حرام است. حبس و نگهداری کالا، نیاز و احتیاج مردم، فقدان فروشنده دیگر و قصد افزایش قیمت، مهم‌ترین شرایط تحقق احتکار است. از منظر حقوقی نیز احتکار جرم تلقی شده است و نگهداری به قصد افزایش قیمت و انحصار، به منزله احتکار است. از دیدگاه اسلام، دولت در راستای تحقق عدالت و

، ۱۳۹۸، ۶). احتکار در لغت از ریشهٔ حکر و به معنای ظلم، جمع و امساک است.

به لحاظ حقوقی، «احتکار عبارت است از اینکه کسی کالای مورد احتیاج و ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت با مردم، پنهان نماید» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۱۵). از منظر حقوقی، در مفهوم احتکار، ارکان ذیل به کار رفته است: ۱. انبار کردن: این اصطلاح همهٔ عناوین مشابه مانند ذخیره کردن، حبس کردن، متوقف کردن، جلوگیری از فروش و مانند آن را شامل می‌شود. ۲. کالای مورد احتیاج ضروری عام مردم: احتکار هر کالایی جرم محسوب نمی‌شود، بلکه موضوع این جرم فقط شامل کالاهای ضروری و مورد احتیاج مردم است و منظور از مردم عامهٔ مردم است، نه گروه خاصی از مردم. ۳. به مقداری بیش از مصرف عادی و متعارف: انبار کردن کالای ضروری به منظور شخص و خانواده تحت تکفل وی نه تنها عمل مجرمانه‌ای محسوب نمی‌شود، بلکه امری پسندیده و متناسب با عقل معاش است، به شرطی که در حد مصرف عادی و متعارف باشد، نه بیش از اندازه. ۴. قصد پیش‌گیری از فروش آن به دولت یا مردم: چنانچه قصد شخص از انبار کردن کالای ضروری و مورد احتیاج مردم، فروش آن به مردم یا دولت باشد و صرفاً کالا برای نگهداری موقت در انبار قرار دهد عمل وی جرم محسوب نمی‌شود کما اینکه عرف بازار تجاری هم اقتضای انبارداری را عاقلانه و مشروع می‌داند. ۵. به امید گران‌فروشی کالا در آینده: انگیزه و داعی اصلی محترک این است که با انبار کردن کالا و جلوگیری از فروش آن در آینده بتواند آن را گران‌تر از عرف بازار و به قیمت غیرعادلانه بفروش رساند و

این قید از الزامات تعریف احتکار محسوب می‌شود (ساک، ۱۳۹۳، ۲۴۶). احتکار نوعی کاهش یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط عده‌ای از افراد جامعه است که با توجه به وضع بازار و به خصوص تقاضای تحریک‌شدهٔ خریداران، به منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می‌گیرد و سرانجام موجب افزایش تقاضا بر عرضه و منجر به پیدایش تورم و افزایش صعودی قیمت‌ها می‌شود.

۵-۲. رویکرد فقه در خصوص احتکار

۵-۲-۱. حرام بودن احتکار

برخی از فقها به کراهت احتکار اعتقاد دارند. مفید، از فقهای امامیه، قائل به کراهت است و بیان می‌کند: «احتکار، نگهداری خوراکی‌ها است در شرایطی که اهل شهر بدان نیازمندند و در ارتباط با آن دچار کمبود و تنگنا هستند، و این کار مکروه است». یکی از دلائل قائلان به کراهت قاعدهٔ تسلیط است که از مهم‌ترین و مشهورترین قواعد فقهی است. به موجب این قاعده، مردم حق دارند در آنچه تحت ید و سلطهٔ خویش دارند، هر گونه تصرفی انجام دهند. این قاعده از حیث زمان و احوال اطلاق دارد و لذا همچنان که مردم در زمان فراوانی و وفور کالا و بی‌نیازی به آن‌ها، بر مال خود سلطه دارند و هر گونه تصرفی را که بخواهند می‌توانند در آن انجام بدهند در زمان قحطی و خشک‌سالی و احتیاج و نیاز شدید مردم به آن کالاها نیز بر مال خود مسلط هستند و اختیار دارند که هر تصرفی را که بخواهند در آن انجام دهند. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد این نتیجه به دست

می‌آید: همان گونه که اگر احتیاج نباشد، مالک بر مال خود مسلط است، اگر احتکار و حبس طعام و خودداری از فروش آن منجر به ضیق بر مردم و احتیاج آنان شود باز هم مالک بر مال خودش سلطه دارد و هر کاری را که بخواهد قادر است با آن اموال انجام دهد، و موجبی برای رفع ید از این قاعده وجود ندارد؛ مگر اخبار وارده که زاید بر کراهت دلالت ندارند و کراهت هم نمی‌تواند رافع سلطنت و ید مالک از مالش باشد (شمس‌الدین، ۱۴۱۰، ۱۴۸).

می‌توان ادعا کرد که مشهور فقهای امامیه قائل به حرمت احتکار هستند. شیخ صدوق در مقنع در این - باره می‌فرماید: «اگر کسی طعامی را بخرد و آن را نفروشد، به امید اینکه گران شود، اما در شهر از آن نوع طعام وجود داشته باشد، اشکالی ندارد. ولی اگر در شهر بازار طعام دیگری غیر از آن وجود نداشته باشد، نگهداری آن جایز نیست و موظف است آن را بفروشد و در صورت نگهداری محکوم است (صدوق، ۱۴۱۵، ۳۷۲). در نهاییه الاحکام چنین بیان شده است: «احتکار، اجماعاً از آن نهی شده است» (حلی، ۱۴۱۰، ۵۱۳). و در منتهی آورده است که: «این اخبار همچنان که دلالت بر نهی از احتکار می‌کند، دلالت بر حرمت نیز می‌کنند» (حلی، ۱۴۱۲، ۱۰۰۷). و در قواعد نیز بیان می‌کند: «طبق نظری، احتکار حرام است و احتکار، نگهداری و انباشتن گندم و جو و خرما و کشمش و روغن و نمک است» (حلی، ۱۴۱۳، ۱۱). شیخ طوسی در استبصار قائل به حرمت احتکار شده است: «این اخبار به هر حال در نهی از احتکار عمومیت دارند و روایت شده که آن مورد از احتکار مورد نهی می‌باشد که در شهر طعامی غیر از آنچه در نزد محکوم می‌باشد وجود نداشته باشد، پس در این

مورد محکوم را ملزم به بیرون آوردن و فروختن به آنچه که خداوند برای او روزی کرده است می‌نمایند، همان طوری که پیامبر این عمل را انجام داد، و شایسته است که اخبار مطلقه را بر این اخبار مقیده، همان طوری که در جاهای زیادی آن را بیان کردیم، حمل نماییم» (طوسی، ۱۳۶۳، ۱۱۵). شهید ثانی در مسالک الافهام بیان می‌کند: «اقوی تحریم احتکار می‌باشد، به دلیل صحیحۀ اسماعیل بن زیاد از امام صادق که می‌فرماید رسول خدا فرمود: "لا یحتکر الطعام الا خاطی" (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۵) و مراد از خاطی، انجام دهنده گناه است و این قول پیامبر که فرمود: الجالب مرزوق والمحتکر ملعون» (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ۱۹۱). مرحوم محقق نراقی نیز از قائلان به حرمت احتکار است و درباره این مسئله چنین بیان می‌دارد: «از جمله اموری که ارتکاب آن حرام است، احتکار می‌باشد و آن عبارت است از نگهداری شیء به انتظار گران شدن آن اجماعاً» (نراقی، ۱۴۱۸، ۴۴).

محقق کرکی نیز قائل به حرمت احتکار است و در شرح این کلام علامه - که بنابر نظری احتکار حرام می‌باشد - بیان می‌کند: «این قول مربوط به شیخ صدوق و ابن براج می‌باشد و این قول صحیح‌تر است» (کرکی، ۱۴۰۸، ۴۰). امام خمینی در تحریر الوسیله آورده است: «احتکار حرام است و آن عبارت است از حبس و نگهداری طعام و جمع‌آوری آن به انتظار گرانی آن، با وجود ضرورت مسلمین و نیاز آن‌ها، و نبودن کسی که به اندازه نیازشان به آن‌ها بذل نماید، می‌باشد. آری صرف نگهداری طعام به انتظار بالا رفتن قیمت آن در صورت عدم ضرورت مردم و وجود باذل دیگر حرام نیست، اگرچه مکروه است» (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۰۱). ایشان در کتاب البیع

عرضه نکردن کالا به بازار و امتناع از فروش آن است. دلیل بر این قید روایاتی است از جمله: صحیحی حنط که راوی این نکته را بیان می‌کند: «مردم کسی را که حبس طعام می‌کند، محترک می‌نامند. و با توجه به ذیل روایت که از پیامبر اسلام (ص) بیان شده است که فرمودند: ایاک آن تحت کره، روشن می‌شود که احتکار با حبس به یک معناست. اگر احتکار طعام و امتناع از فروش به مقطع زمانی مذکور در روایات، بالغ نگردید، مصداق حکم شارع درباره احتکار نمی‌شود. برخی از این روایات در زیر بیان گردیده است: ۱. احتکار در موقع فراوانی اجناس چهل روز و در سختی و کمبود سه روز است که در ایام فراوانی هرچه از چهل روز بگذرد، محترک ملعون است و در ایام سختی هرچه از سه روز بگذرد، محترک مورد لعن پروردگار است» از امام صادق (ع). ۲. ابراهیم بن عبدالحمید از موسی بن جعفر (ع) از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود: اما گندم فروش (فرزندت را به گندم‌فروشی مگمار) وی طعام را بر امت من احتکار می‌کند و اگر خداوند بنده‌ای را در حال دزدی مشاهده کند بهتر است نزد من از اینکه وی را درحالی که چهل روز طعام را احتکار کرده مشاهده نماید» (اصفهانی، ۱۴۲۲، ۷۷).

۵-۲-۲-۲. نیاز و احتیاج مردم

یکی از قیود احتکار نیاز و احتیاج مردم است و دلیل چنین شرطی مضاف بر اینکه در صورت نبودن آن، احتکار از نظر شرعی و لغوی مصداق پیدا نمی‌کند و برفرض مصداقیت آن، قطعاً مصداق نهی شرعی تحریمی نیست.

صحیح حلی از امام صادق (ع) که می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم مردی طعام را احتکار می‌کند و در

نیز بنابر قول اقوی، در صورت نبودن کسی که به مقدار کفایت به مردم بذل نماید، احتکار را حرام می‌داند (خمینی، ۱۴۲۱، ۴۱۰). همان‌طور که ملاحظه می‌شود امام خمینی نیز مدار حرمت احتکار را حاجت و نیاز مردم می‌داند و در صورت نبود نیاز مردم، اگرچه کلام ایشان در کتاب البیع مطلق است ولی می‌توان از مفهوم مخالف کلام ایشان استنباط کرد که احتکار محقق نمی‌شود. صریح عبارت ایشان در تحریرالوسیله، کراهت در این باره است و شاید دلیل کراهت آن این باشد که جمع کردن کالا و عرضه نکردن آن مقدمه گرانی و تنگنایی آن در جامعه است.

۵-۲-۲. شرایط تحقق احتکار

روایات وارده در باب احتکار خصوصیت‌ها و قیودی دارند که بسیاری از فقها ادعا کرده‌اند همه یا بعضی از آن‌ها در مصداقیت احتکار منهی عنه دخالت دارند، لذا آن‌ها را در تعریف از احتکار معتبر دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ۱۱۵). عناصر لازم برای تحقق موضوع احتکار عبارت‌اند از: ۱. حبس و انبار کردن کالا؛ ۲. احتیاج داشتن مردم مسلمان به آن؛ ۳. نبودن شخص دیگری که آن کالا را به اندازه کافی در اختیار مردم بگذارد؛ ۴. انجام دادن این کار به نیت بالا رفتن قیمت کالا.

۵-۲-۲-۱. حبس و نگه‌داری کالا

یکی از قیودی که فقها برای صدق عنوان احتکار ذکر کرده‌اند، حبس و انبار کردن طعام و به تعبیر دیگر،

چنین می‌فرماید: «اختلاف فقها در حرمت یا کراهت احتکار در فرض عدم ضرورت است و إلا در حال ضرورت مثل زمان قحطی، ظاهره احتکار حرام است به اجماع» (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲۳).

چنان‌که مشخص است این روایات ملاک حرمت احتکار را که همان ضروری و مورد نیاز بودن کالا برای مردم است، بیان می‌کنند. حال باید گفت وجود لفظ طعام در اینجا تنها وصف، ویژگی و خصوصیتی است که همراه موضوع بوده است ولی دخالتی در حکم ندارد. بنابراین به وسیله الغای خصوصیت، قید طعام حذف می‌شود و دلیل حکم حرمت احتکار مشخص می‌شود که همان احتیاج مردم به کالا و در تنگنا واقع شدن مردم به واسطه فقدان آن است.

۵-۲-۲-۳. فقدان فروشنده دیگر

از امام صادق (ع) درباره کسی که به امید گران شدن مواد غذایی آن را احتکار می‌کند پرسیده شد. امام فرمود: اگر مواد غذایی به قدری فراوان است که به همه مردم می‌رسد، اشکالی ندارد و اگر کم است و به اندازه نیاز همه مردم نیست، احتکار مواد غذایی و وانهادن مردم، ناپسند است (کلینی، ۱۴۲۶، ۶۷).

منظور این است که اگر بذل‌کننده‌ای پیدا نشود و یا بذل‌کننده یافت بشود، اما بذل او نیاز مردم را مرتفع نکند، از مصداق احتکار منهی عنه است. دلیل بر اعتبار این قید، روایاتی است از جمله: در صحیحه سالم حنات آمده است: «امام صادق (ع) به من فرمود: شغل تو چیست؟ عرض کردم گندم‌فروش هستم و چون گاهی با فراوانی روبه‌رو می‌شوم و گاهی با کمبود، گندم را نگهداری می‌کنم. فرمود: مردم درباره

انتظار گرانی آن است. آیا این عمل، شایسته و جایز است؟ فرمودند: اگر طعام فراوان و مردم در گشایش‌اند، مانعی ندارد و اگر کم است و کفاف مردم را نمی‌دهد احتکار آن و مردم را بدون طعام رها کردن کار زشت و مکروه است. «احتکار این است که مواد خوراکی را بخرد و انبار کند؛ درحالی‌که در شهر، غیر از آن نیست؛ ولی اگر در شهر مواد خوراکی یا فروشنده دیگری باشد، اشکالی ندارد که خواستار افزایش قیمت کالایش باشد».

همچنین در کتاب دعائم‌الاسلام از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: احتکار تنها در صورتی است که انسان طعامی را بخرد و آن را احتکار کند؛ در صورتی‌که در شهر غیر از آن وجود نداشته باشد. پس اگر در شهر طعام یا کالایی غیر از آن وجود داشته باشد یا اینکه به گونه‌ای زیاد باشد که مردم به راحتی بتوانند آن را تهیه کنند احتکار مانعی ندارد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ۲۷۶).

در مبحث بیع کتاب کافی ابوالصلاح بیان شده است: «جایز نیست کسی چیزی از قوت مردم را در صورتی‌که نیاز آشکار به آن وجود دارد نگهداری نماید» (حلی، ۱۴۰۳، ۳۶۰).

امام خمینی نیز درباره معتبر بودن این شرط می‌فرماید: «میزان و ملاک در حرمت احتکار همانا احتیاج مردم و نبودن بذل‌کننده دیگری است که این مطلب از صحیحی حلی به دست می‌آید». در آخر ذکر این نکته ضروری است که منظور از ضیق و در تنگنا قرار گرفتن این نیست که نیاز و احتیاج مردم به حد ضرورت و اضطراب برسد؛ زیرا در چنین حالتی ظاهره احتکار به اجماع حرام است. مقدس اردبیلی در این باره در تبیین محل اختلاف کلام فقها

بنده، انسان احتکارکننده است. اگر خداوند متعال قیمت اجناس را پایین بیاورد ناراحت و محزون می‌شود و اگر بالا ببرد خوشحال می‌گردد» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۴، ۹۷). در نهج البلاغه، امام علی (ع) در دستورالعمل خود به مالک اشتر می‌فرماید: «پس، از احتکار پیش‌گیری کن؛ چرا که پیامبر اکرم (ص) از آن جلوگیری کرد و باید معامله‌ای انجام پذیرد که آسان و بر اساس موازین عدالت و نرخ‌هایی خالی از اجحاف به فروشنده و خریدار باشد. پس هر کس پس از نهی تو به احتکار نزدیک شد، او را بدون زیاده‌روی مجازات کن» (سید رضی، ۱۴۱۴، ۳۷۷).

از امام باقر (ع) نیز نقل شده است: «پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که طعمی را خریداری نموده و چهل روز آن را نگه‌داری نماید به این امید که گرانی در جامعه به‌وجود بیاورد آنگاه آن را بفروشد و تمام بهای آن را صدقه بدهد باز کفاره عمل ناپسند او نخواهد شد». علاوه بر روایات مذکور از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است: «هر کس احتکار کند و قصدش بالا رفتن قیمت‌ها به ضرر مسلمین باشد، گناه کار و خطاکار است» (منتظری، ۱۴۰۹، ۶۲۶).

در این روایات، انگیزه افزایش قیمت کالا، ملاک حرمت احتکار بیان شده است. در اینجا نیز از طریق تنقیح مناط و الغای خصوصیت، اوصافی همچون عذاب و مجازات محترک که دخالتی در حکم ندارند و موضوعیت ندارند، حذف می‌شوند و انگیزه ازدیاد قیمت کالا، دلیل اصلی حرمت احتکار بیان می‌شود، که این دلیل را نیز می‌توان به هر کالایی تعمیم داد که احتکارش سبب افزایش قیمت آن شود.

بنابراین اگر روایات، ملاک افزایش قیمت کالا را دلیل حرمت احتکار مواد خوراکی بیان کنند، در این

این عمل تو چه می‌گویند؟ عرض کردم می‌گویند محترک، حضرت فرمود: آیا کسی به غیر از تو گندم می‌فروشد؟ عرض کردم من از هزار قسمت، یک قسمت را می‌فروشم. فرمود: اشکالی ندارد. فردی از قریش نام او حکیم‌بن حزام بود. چون طعمی در مدینه وارد می‌شد، تمام آن را یکجا می‌خرید، پس پیامبر (ص) بر او گذشت و فرمود: ای حکیم‌بن حزام، مبادا آن را احتکار کنی؟» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۲۴۷؛ بهجت، ۱۴۲۳، ۴۲۶ خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۴۰). در مبسوط بیان شده است: «و اما احتکار در قوت و غذای مردم در صورتی که مسلمانان از آن ناحیه زیان ببینند و جز نزد این شخص نزد افراد دیگری یافت نگردد، مکروه است» (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۹۶). در قواعد آمده است طبق نظری، احتکار حرام است، سپس در ادامه می‌فرماید: «به دو شرط: ... دوم اینکه، دیگری عرضه‌کننده آن نباشد». نکته‌ای که ذکر آن حائز اهمیت این نکته است که بسیاری از فقها این شرط را تصریح کرده‌اند (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۱۰۹)؛ ولی به دنبال آن قید به حد کافی را اضافه نکرده‌اند. به نظر می‌رسد اضافه کردن این قید ضروری است؛ زیرا فرض است که فروشنده یا باذل دیگری وجود داشته باشد، اما نه به حد کافی و فروش و بذل آن‌ها نیاز مردم را برطرف نکند.

۵-۲-۲-۴. قصد افزایش قیمت

یکی دگر از شروط تحقق احتکار از نظر فقهی، حبس طعام به دلیل ترقی افزایش نرخ‌ها و قیمت باشد و اما اگر طعام را برای مصرف خود و یا کشت و کار انبار کند به دلیل عدم صدق احتکار اشکال ندارد. در کنز العمال از رسول خدا (ص) نقل شده است: «بدترین

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها به نظر می‌رسد که تمسک به تعریف مذکور در قانون نظام صنفی برای تبیین جرم احتکار درست‌تر است؛ به‌ویژه اینکه تاریخ تصویب این قانون مؤخر بر قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی است، آخرین اراده قانون‌گذار محسوب می‌شود، در مقام تعریف احتکار وضع شده است و استناد به آن تعریف جایز است.

در خصوص عنصر مادی جرم احتکار نیز باید گفت که رفتار مجرمانه‌ای که قانون‌گذار آن را احتکار دانسته است، مشتمل بر دو فعل مجرمانه است که یکی مشتمل بر فعل مثبت نگهداری کالا و دیگری ترک فعل امتناع از عرضه آن است. برای جرم دانستن احتکار هر دوی این رفتارهای موصوف باید محقق شود.

جرم احتکار با توجه به اینکه عنصر قانونی آن هم در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور و هم در قانون نظام صنفی تبیین شده است از نظر عنصر روانی به چند بخش تقسیم می‌شود: عمد عام، یعنی ارتکاب فعل مجرمانه احتکار؛ نگهداری و امتناع از عرضه کالا، برخلاف اعلام ضرورت عرضه توسط مراجع صلاحیت‌دار قانونی به‌صورت آگاهانه و ارادی و از روی عمد و اختیار. برای تحقق عمد شرایط زیر لازم است: الف: محترک بداند و آگاه باشد که مراجع ذیصلاح قانونی عرضه کالا یا کالای خاصی را ضروری اعلام نموده‌اند. ب: مرتکب با اراده و اختیار فعل مجرمانه را انجام داده باشد و لذا اگر به‌دلیل مسافرت خارج از کشور یا به‌دلیل توقیف شدن اموال و معاذیری مانند آن نتوانسته نسبت به عرضه کالا اقدام کند عمل وی احتکار محسوب نمی‌شود (رستمی غازی و دیگران، ۱۳۹۹، ۲۳۰-).

صورت می‌توان به‌دلیل کنترل بازار مایحتاج ضروری زندگی بشر و ممانعت از ازدیاد مضاعف قیمت، این ملاک را از طریق تنقیح مناط و الغای خصوصیت به هر چیزی تعمیم داد که مورد نیاز جامعه است و حبس آن سبب افزایش قیمت می‌شود.

۵-۳. احتکار از دیدگاه حقوقی

مطابق ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲: «احتکار عبارت است از نگهداری کالا به‌صورت عمده با تشخیص مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به‌قصد گران‌فروشی با اصرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط». در بند ب ماده ۱ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ عبارتی چون: «اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی» و عبارت «احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور (عمومی)» به‌کار گرفته شده است که به‌موجب همان ماده باید منظور مرتکب ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها باشد. با توجه به اینکه عنوان این قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور است، یکی از مصادیق اخلال در نظام اقتصادی را احتکار عمده ارزاق و مایحتاج عمومی دانسته است؛ بدون اینکه منظور خود را از احتکار ارزاق و مایحتاج عمومی مشخص کند. این موضوع یعنی کلان و عمده بودن میزان احتکار بسیار موضوع حساسی است که در تعیین میزان مجازات مرتکب احتکار مؤثر است. با توجه به اینکه در این قانون عنصر مادی جرم احتکار به‌خوبی تبیین نشده است و قانون‌گذار تعریفی از احتکار نداده است و به‌منظور پیش‌گیری از تفسیر موسع قانون جزایی و رعایت

۲۲۷). عمد عام درباره تمامی جرائم عمدی یکسان است و تفاوت جرائم عمدی عمد تا سوءنیت مجرمانه و عمد خاص است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. عمد خاص، یعنی قصد نتیجه مجرمانه و اینکه مرتکب جرم نتیجه منظور را می‌خواسته است که اصطلاحاً با آن سوءنیت جزایی هم می‌گویند. عمد خاص عمدتاً در جرائم عمدی مقید وجود دارد که تحقق جرم توأم با نتیجه مجرمانه است. در جرم احتکار با توجه به قوانین لازم الاجرای فعلی عمد خاص دارای ویژگی‌های زیر است: الف) قصد گران‌فروشی: چنانچه فردی اقدام به نگهداری کالا و امتناع از عرضه آن کند و قصد وی از این کار این باشد که متعاقب آن را به قیمت گزاف و گران بفروشد، عمل وی احتکار محسوب می‌شود. شرط تحقق سوءنیت جزایی به‌نحوی که در بالا اشاره شد، منطبق با احادیث و روایات منقول از معصومان علیهم‌السلام و کلام فقهاست که با عنوان «غلاء» از آن یاد کرده‌اند. ب) قصد اضرار به جامعه: با توجه به اینکه این عبارت به‌وسیله کلمه «یا» از عبارت قبلی قصد گران‌فروشی جدا شده است که جزو حروف منفصله است. به‌نظر می‌رسد که عمد خاص جرم احتکار یا باید به‌قصد گران‌فروشی باشد یا به‌قصد اضرار به جامعه. ج) قصد ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه کالا: در ماده ۱ (بند ب) قانون مجازات اخلال- گران در نظام اقتصادی کشور به این موضوع اشاره شده است که با دو مطلب قبلی متفاوت است. انحصارطلبی حتی اگر بدون قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه باشد، سوءنیت جزایی تلقی شده است. معنی انحصارطلبی هم این است که فرد با احتکار ارزاق عمومی یا سایر نیازمندی‌های مردم انحصار عرضه آن را در اختیار خود قرار دهد و به این

ترتیب اختیار تام آن کالا را از هر حیث مانند میزان عرضه، قیمت‌گذاری و مانند آن را خود به دست گیرد و اصطلاحاً قدرت مطلق بازار شود. باید گفت، قصد کمبود در عرضه کالا هم می‌تواند توأم با انگیزه‌های مالی و گران‌فروشی و سودجویی باشد و هم می‌تواند توأم با انگیزه‌های سیاسی باشد. د) قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران با قصد مقابله با آن و یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور: در این مورد قصد مجرمانه و سوءنیت جزایی از جنس انگیزه است؛ به این معنی که قصد مرتکب احتکار صرفاً سودجویی شخصی و گران‌فروشی نیست؛ بلکه با این اقدام خود یک هدف و انگیزه سیاسی دارد (گلشنی، ۱۳۸۲، ۵۴-۴۵). ذکر این مطلب به این معنی نیست که احتکار در این صورت در زمره جرائم سیاسی قرار می‌گیرد؛ بلکه منظور این است که جرم احتکار در اجرای ماده ۲ قانون مجازات اخلال- گران در نظام اقتصادی کشور دارای کیفیت مشدده‌ای می‌شود و عنوان افساد فی‌الارض را پیدا می‌کند که مجازات اعدام را در بر خواهد داشت. اهمیت احراز این قصد تا آن اندازه است که وجود یا نبود آن و همچنین اثبات یا اثبات نکردن آن برای مرتکب احتکار حکم مرگ و زندگی دارد.

۴-۵. مصادیق احتکار

در مقدمه اشاره شد که یکی از مهم‌ترین مبانی اقتصاد اسلامی، اصل مداخله دولت در اقتصاد است که به دولت اختیارات فراوانی برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی می‌دهد. نیز این امکان را برای دولت اسلامی فراهم می‌آورد تا از طریق اقداماتی چون گسترش اطلاع‌رسانی به کارگزاران

شش چیز است: در گندم و جو و خرما و روغن زیتون و روغن و کشمش».

دیدگاه اکثر فقها، ممنوعیت احتکار در همین اجناس ویژه و طعامها و عدم جریان آن در غیر این اجناس است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۹۵). البته برخی نمک را نیز به موارد مذکور اضافه کرده‌اند و شهید ثانی احتکار را در هفت جنس یعنی غلات اربعه و روغن، روغن زیتون و نمک برشمرده است. صاحب جواهر، نیز معتقد است: «مشهور بین اصحاب نیز تنها همین موارد است، بلکه بعضی ادعای اجماع نیز بر آن دارند». به دلیل روایتی از پیامبر اکرم (ص) که احتکار را در غلات اربعه و روغن و روغن زیتون دانسته است و روایت دیگری از امام صادق (ع) مبنی بر «انحصار احتکار در غلات اربعه». بنابراین بر اساس قول مشهور، احتکار تنها در آن چیزهایی است که از کالاهای اساسی و ضروری جامعه هستند و در روایات در قالب موارد احتکار به آن‌ها اشاره شده است و احتکار سایر اقلام را هرچند از کالاهای ضروری جامعه باشند، مشمول آن ندانسته است و احتکار سایر اقلام و اجناس نیز هرچند از نیازهای نوین شرایط تمدنی عصر حاضر باشند، از موارد احتکار محرم شناخته نمی‌شوند.

۵-۳-۲. تعمیم به مصادیق جدید

از دید برخی دیگر از فقها، در صورت لزوم، با صلاح- دید حاکم اسلامی و بر اساس مصلحت عمومی جامعه، مصادیق احتکار به سایر احتیاجات مردم و هر چیزی که نیاز اصلی هر زمان یا جامعه‌ای باشد، می‌تواند تعمیم یابد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۳۳-

اقتصادی، مبارزه با انحصارها، تشویق به رقابت و تأمین کالاهای عمومی زمینه افزایش کارایی اقتصادی در جامعه را ایجاد کند و بستر مناسب برای رقابت آزاد را فراهم آورد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ۳۵-۳۸؛ صدر، ۱۳۹۹، ۱۰ - ۱۱؛ ابراهیم صالح، ۱۴۱۶، ۱۶۷). در پیش‌فرض امکان مداخله دولت در بازار، مصادیق احتکار و ارکان تعمیم مصادیق تعیین- شده به سایر اقلام و کالاها بررسی می‌شود. درباره مصادیق احتکار و اینکه چه نوع کالایی ممنوع است، اختلاف نظر وجود دارد: الف) احصار مصادیق احتکار ب) تعمیم به مصادیق جدید.

۵-۳-۱. احصار مصادیق احتکار

مشهور فقها، با اساس و معیار قرار دادن روایات حاصره، دامنه موضوعات احتکار را به غلات اربعه شامل گندم، جو، خرما، کشمش و روغن و روغن خوراکی تقلیل داده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۲۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۷، ج ۲، ۱۲). طبق نظر فقه‌های شیعه، احتکار بر شش چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و روغن زیتون (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ۱۹۵). ابوالبختری از امام صادق (ع) از پدرش روایت می‌کند: «علی (ع) از احتکار در شهرها نهی می‌کرد و می‌فرمود احتکار تنها در گندم، جو، خرما، کشمش، روغن است». کلینی و طوسی از غیاث بن ابراهیم از امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که فرمود: «احتکار جز در گندم و جو و خرما و کشمش و روغن نیست». خصال به سند خویش از سکونی از امام صادق (ع) از پدران خویش (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است که فرمود: «احتکار در

فراوانی که دارد، بسیاری از واقعیت‌های جامعه جدید با نیازهای نو و مشکلات فقهی امروز را می‌تواند حل کند و اجتهاد ابزاری در دست فقیه برای تطبیق دادن محتوا و قواعد کلی شریعت با نیازهای دگرگون‌شونده و متحول هر عصر است. پویندگی و بالندگی اجتهاد در گرو آگاهی به روح زمان و نیازهای آن است (ابوالحسینی، ۱۳۸۶، ۲۴). اینکه در چه چیزهایی احتکار صادق است، چنان‌که گفته شد، طبق نظر غیر مشهور، از طرف شارع مقدس حکم کلی احتکار بیان شده است و طبیعی است که در اعصار مختلف مصادیق و ابزار و شیوه اجرای آن به صور گوناگونی ممکن است تغییر شکل دهد.

چون اقلام شش‌گانه در آن زمان مصداق بارز خوراکی بودن برای مردم بوده‌اند، مصادیق حرمت احتکار بیان‌شده‌اند؛ نه اینکه امروزه حرمت احتکار فقط به این موارد اختصاص داشته باشد. بر این اساس ذکر اقلام شش‌گانه در روایاتی که بحث شد در قالب موارد احتکار تنها از باب بیان مصداق و نمونه است و موضوعیت ندارند. امروزه علاوه بر وجود این مصادیق، مصادیق خوراکی جدیدی نیز وجود دارد که بر اساس تغییر سبک زندگی و سلیقه مردم به وجود آمده‌اند. چنانچه در فصل اول گذشت، سبک زندگی هم در برگیرنده رفتارهای درونی (مانند بینش، گرایش، طرز تفکر و...) و هم در برگیرنده رفتارهای بیرونی (مانند مصرف، نوع پوشش، دکوراسیون منزل، نحوه غذا خوردن و...) فرد یا جامعه است که مربوط به عصر و زمان خود است و به مرور تغییر پیدا می‌کنند. بر اساس ظاهر این روایت که در صورت احتیاج و نیاز مردم به طعام، احتکار را حرام می‌داند، معلوم می‌شود

۳۳۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۴۰، ج ۱۱، ۲۱). این نظریه که احتکار را منحصر در موارد خاص دانسته است، چندان قابل دفاع نیست؛ زیرا اولاً: موارد احتکار مورد اشاره در روایات محصوره (کلینی، ۱۴۲۶، ج ۵، ۶۷۶)، فی‌نفسه موضوعیت ندارد بلکه از باب ذکر مصداق بارز در زمان خود است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ۴۸۱؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۳، ۱۴۳)، از این رو احتکار با توجه به معیارهای مطرح‌شده آن یعنی: «حبس و انبار کردن»، «احتیاجات ضروری عامه مردم»، «قصد گرانی»، «ایجاد تنگی معیشت» و «در زمان قحطی کالا»، شامل هر موردی است که مصداق آن باشد. دوماً: تجارت الکترونیک و فضای مجازی به‌عنوان یک طریق تجاری است، نه یک کالای تجاری و بر همین اساس می‌گوییم گرچه مطابق قول مشهور احتکار داده‌ها و اطلاعات در تجارت الکترونیک هرچند از نیاز ضروری عامه باشند، عملی مکروه است؛ اما مطابق قول غیر مشهور حتی احتکار داده‌ها و اطلاعات و دانش علمی ضروری هم حکم احتکار حرام را دارد (موسوی اردبیلی، استفتاء ۱۳۹۲، ۲۳).

در خصوص بطلان استنباط انحصار احتکار به بعضی از کالاهای از روایات حاصره به چند دلیل می‌توان تمسک جست که در ادامه بیان می‌شود.

۵-۳-۲-۱. مصالح جامعه مسلمین

احتکار از مسائلی است که مستقیم با مصالح جامعه مسلمین مربوط است و پیش‌گیری از آن نیز چنان‌که در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر آمد، از وظایف حکومت و شخص حاکم است. ساختار اندیشه فقهی، با توجه به غنای تئوریک و نظری و آمادگی و پذیرش

ملاک حرمت احتکار موارد منصوص، ضروری و مورد نیاز بودن آن‌ها برای مردم است.

۵-۳-۳. کالاهای ضرور / قاعده لاجرح و حرمت اضرار

در حکم ثانویه، عسر و حرج و اضطرار مبنای مهمی است. به این صورت که در حکم اولیه احتکار (ممنوعیت اقلام شش‌گانه)، تنها حرمت نگه‌داری موارد منصوص است؛ چون حکم حرمت بدون در نظر گرفتن وصف عسر و حرج و اضطرار بر احتکار تحمیل شده است. اما حکم ثانویه که بر اساس آن دخالت دولت در بازار جایز است، این است که چون بر اثر احتکار کالاهای ضروری و مورد نیاز، مردم در عسر و حرج و سختی قرار می‌گیرند، ولی امر مسلمین می‌تواند به اقتضای مصلحت عمومی (حفظ نظام، عدم حرج و مرج، نفی عسر و حرج و...)، حکم احتکار را تعمیم دهد و از احتکار هر چیزی که مورد نیاز جامعه است پیش‌گیری کند.

با التفات به قاعده لاجرح و حرمت اضرار به غیر مندرج در مفهوم قاعده لاضرر، محقق داماد شرط حرمت احتکار را از نظر عقلی و شرعی، اختلال در نظام دانسته است. «پس از این جهت به آنچه در روایات آمده است اختصاص ندارد و تمام مواردی را شامل می‌شود که احتکار چنین اثری می‌آفریند؛ زیرا روایات نیز اشاره به همان حکم عقل است» (محقق داماد، ۱۳۶۲، ۵۵-۵۶). «و نیز مناط در حرمت احتکار، جمع غله و رها کردن مردم بدون طعام است» (خویی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۸۲۲-۸۱۵). نتیجه آنکه در سایر نیازمندی‌های عمومی جز آذوقه، مانند دارو و مواد

سختی، اگر احتکار مستلزم ضرر و سختی بر مسلمانان شود، حرام است... پس باید الغای خصوصیت شود و به تمام مواردی که برای حفظ نفوس لازم است، تسری داده شود.

معیار حرمت یا کراهت احتکار، احتیاج مردم به کالا و در تنگنا واقع شدن آن‌ها به واسطه فقدان آن است. چنان‌که در دو صحیحی حلبی در این باره به اهتمام شارع به فراخی در معیشت و رها نگشتن مردم بدون آذوقه حیاتی اشاره شده است. شیخ حر نیز معیار تحقق احتکار را در تنگنا و سختی واقع شدن مردم و تمایل نداشتن دیگران به فروش آن کالا دانسته است. چنان‌که صاحب جواهر هم حکم احتکار را مبتنی بر احتیاج مردم دانسته است و گفته است در صورت حصول اضطرار، احتکار هر چیز از خوراک و پوشاک و آشامیدنی و غیره در هر صورت، حرام است و اگر در ایام قحطی، مردم به طعام نوظهوری معتاد شوند، بنا بر همین علت حکم احتکار در آن جاری می‌شود. اگر موارد منصوص در روایت به دلیل اینکه جزو کالاهای مورد نیاز و ضروری زندگی بشر هستند و قوام زندگی انسان به وجود و سهل‌الوصول بودن آن‌ها بستگی دارد، مشمول حکم حرمت احتکار شده باشند، حاکم اسلامی می‌تواند از باب حکم ثانویه در بازار دخالت کند، حکم حکومتی صادر کند و تحریم و تمام آثار احتکار را به همه کالاهایی نسبت دهد که متناسب با سبک زندگی بشر جزو ضروریات حیات بشر باشند. مایحتاج ضروری زندگی، کالاها و اجناس و ... هستند که نیازهای اولیه مصرف‌کنندگان را تأمین کنند و در صورت عرضه نکردن در بازار، مردم در عسر و حرج و مضیقه قرار بگیرند. بر این اساس ملاک و معیار ضروری بودنشان، تأمین نیازهای اولیه

است که مصادیق آن در هر زمان و مکانی بر اساس تغییر سبک مردم متفاوت است.

در حکم اولیه احتکار، صرف نظر از وصف عسر و حرج و اضطرار، تنها حبس موارد منصوص حرام است. در حکم ثانویه دخالت دولت در بازار جایز است و چون احتکار باعث افزایش قیمت کالا شده است و در نتیجه مردم در عسر و حرج و سختی قرار گرفته‌اند، حاکم اسلامی می‌تواند برای کنترل بازار مایحتاج ضروری زندگی بشر و ممانعت از ازدیاد مضاعف قیمت از احتکار هر چیزی که مورد نیاز جامعه است و حبس آن سبب افزایش قیمت می‌شود جلوگیری کند و حکم احتکار را تعمیم دهد.

احتکار موجب می‌شود که تقاضا نسبت به عرضه کالا افزایش یابد، سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود و چون مشتری با توجه به نیاز ضروری به کالا در حالت اضطراری قرار می‌گیرد، فروشنده نیز از این موقعیت سوءاستفاده می‌کند و قیمتی بالاتر از قیمت واقعی اجناس اعلام می‌کند. به همین دلیل، فقها برای پیش‌گیری از این سوءاستفاده به قاعده انصاف استناد و بیان می‌کنند که در صورت رعایت نکردن انصاف در تعیین قیمت، حاکم اسلامی می‌تواند در تعدیل قیمت آن اقدام کند یا قیمت‌المثل آن را تعیین کند. برای مثال خودروهایی که با هدف سودجویی و کسب منافع بیشتر توسط واسطه‌ها و دلالتان نگهداری می‌شوند در حکم احتکار است و باید به بازار عرضه شوند و با قیمت‌های مصوب تعیین‌شده به فروش برسند.

اگر ملاک حرمت احتکار موارد منصوص در روایت، کنترل بازار و پیش‌گیری از افزایش قیمت آن‌ها باشد باز هم حاکم اسلامی می‌تواند از باب حکم ثانویه و

امکان دخالت دولت در بازار، حکم حکومتی صادر کند و موارد احتکار را تعمیم دهد و این ملاک را به احتکار سایر کالاها غیر از آن شش قلم سرایت دهد.

علاوه بر موارد اشاره‌شده در بالا، این قضایا از باب قضایای خارجیه هستند و پیشوایان معصوم (ع) در مقام بیان واقعیت خارجی بوده‌اند؛ نه اینکه صدق احتکار را در تمام زمان و مکان‌ها منحصر به این چند چیز دانسته باشند.

اینکه در لسان روایات هرچند به آذوقه اشاره شده است؛ ولی آذوقه مورد مخصوص و بیان تعلیل نیست بلکه یک امر ارتکازی و عقلی است؛ پس باید القای خصوصیت شود و به تمام مواردی که برای حفظ نفوس لازم است، تسری داده شود.

نکته دیگر آنکه «زمان و مکان هرچند در خود احکام شرعی ثابت بی‌تأثیر است؛ ولی در تطبیق آن‌ها بر مصادیقشان دارای تأثیر است». اگر قول غیر مشهور را که بر اساس نیازهای متناسب هر عصری است، در ارتباط با موضوعات احتکار بپذیریم که ادله نیز بر آن دلالت دارد (حاکم نیشابوری، ۱۳۴۰، ج ۱۱، ۱۲)، دیگر موضوعیت انحصار در روایات در قالب نمونه‌های غالب عصر شارع مرتفع می‌شود و بر اساس شرایط زمان و مکان به هر نوع کالایی می‌تواند، تعمیم یابد (منتظری، ۱۳۶۷، ۷۶-۷۵). احتکار در مفهوم اعم آن امروزه تنها شامل مواد غذایی نیست؛ بلکه هر نوع محصول کشاورزی، معدنی و صنعتی را در بر می‌گیرد. حقایق و دست‌یافته‌های نوین علمی نیز که تأثیرات عظیم بر تحول و تنویر افکار عمومی دارند، چنانچه از دسترس و شناخت مردم پنهان نگاه داشته شوند خود می‌توانند، نوعی احتکار علمی تلقی شوند. همچنان‌که عنوان کالا به‌جای قید کالای مورد

محتکر به منظور افزایش قیمت و ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه برای افزایش قیمت باشد که نتیجه آن اخلاص در توزیع مایحتاج عمومی جامعه است.

در بسیاری از کتب فقهی احتکار به معنای نگه‌داری اقلام شش‌گانه خوراکی (گندم، جو، خرما، کشمش، روغن، روغن‌زیتون یا نمک) و حبس و باقی گذاشتن آن‌ها به انتظار گران شدن قیمت است؛ در صورتی که مردم به آن‌ها نیاز داشته باشند و عرضه‌کننده دیگری در دسترس نباشد. اگرچه از نظر بسیاری از فقها موارد احتکار منحصر در همان اقلام شش‌گانه است؛ ولی با بررسی ادله و روایاتی که قائلان به حرمت بودن و مورد نیاز بودن، انگیزه افزایش قیمت و ضرر رساندن به دیگران را ملاک‌های حرمت احتکار اجناس منصوص استخراج و به وسیله آن‌ها حکم احتکار را غیر از آن شش قلم به اجناس و کالاهای دیگری مانند دارو، اتومبیل، موبایل و دیگر اجناس تعمیم داد؛ بدین ترتیب: (۱) اگر ملاک حرمتشان خوراکی بودن آن‌ها باشد، از باب بیان مصداق و نمونه، حکم تحریم احتکار به تمام کالاهای خوراکی ضروری و مورد نیاز زندگی امروزه بشر که بر اساس تغییر سبک زندگی به وجود آمده‌اند، قابل تعمیم است.

(۲) اگر ملاک حرمت آن اجناس ضروری و مورد نیاز بودن باشد، باز می‌توان از باب حکم ثانویه و امکان دخالت دولت در بازار با بیان مناط و دلیل، حکم تحریم صادر کرد و آثار احتکار را به همه کالاهایی که متناسب با سبک زندگی بشر جزو ضروریات و حیات اوست، نسبت داد. (۳) اگر ملاک حرمت احتکار موارد منصوص، افزایش قیمت آن‌ها باشد در اینجا نیز از باب حکم ثانویه و امکان دخالت دولت در بازار

احتیاج ضروری عامه مردم، در ماده ۶۰ قانون نص ۱۳۸۲ دلالت بر تعمیم احتکار از دیدگاه قانون‌گذار دارد. با توجه به این امور حدس زده می‌شود که احتکار ممنوعه شرعی در جنس‌های ویژه‌ای منحصر نیست و به سایر نیازمندی‌های عمومی جز آذوقه، مانند دارو و مواد سوختی و نیز نتایج تحقیقات و دانش فنی و داده‌ها و اطلاعات و نرم‌افزارها قابل تعمیم باشد که به عنوان یک ضرورت اجتماعی تمدن معاصر در زندگی مردم نقش‌آفرین هستند.

از بررسی دلیل حکم حرمت احتکار مشخص می‌شود که همان احتیاج مردم به کالا و در تنگنا واقع شدن مردم به واسطه فقدان آن است که این دلیل قابل تعمیم به هر جنس و کالایی است که مورد نیاز مردم باشد و در صورت نبود آن، در سختی و مضیقه قرار گیرند. در کل احتکار سبب به هم خوردن مباحث عرضه و تقاضا می‌شود و اقتصاد خانوارهای فقیر و تهی‌دست را دچار تزلزل و بحران می‌کند که در شکل کامل‌تر آن بحران‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی را منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری

از منظر دیدگاه مشهور فقهی، احتکار ممنوع و حرام است؛ زیرا احتکار باعث تورم، گرانی و توزیع ناعادلانه کالا و مایحتاج مردم می‌شود و گرسنگی و فقر را در جامعه گسترش می‌دهد. احتکار نقطه مقابل امنیت غذایی است و موجب فساد و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه می‌شود. از منظر حقوقی، احتکار از جمله جرائم عمدی محسوب می‌شود و برای جرم دانستن آن شروطی لازم است؛ از جمله اینکه نیت

و افزایش قیمت آن مطرح است و از این منظر برای افراد جامعه مهم است.

یا بیان مناط، حکم حرمت به احتکار هر چیزی که مورد نیاز جامعه باشد و حبس آن سبب افزایش قیمت شود، قابل تعمیم است. ۴) اگر ملاک حرمت، ضرر و زیان رساندن به دیگران، تضییق و اختلال نظام آنان باشد، در این صورت نیز وجهی برای تخصیص به موارد خاص وجود ندارد و می‌توان از باب حکم ثانویه (قاعده لاضرر) و امکان دخالت دولت در بازار یا بیان مناط، حکم تحریم احتکار را به هر چیزی که کمبود آن، نظام مردم را برهم زده باشد و موجب ضرر و زیان و تضییق آنان شود (اعم از خوراکی و دیگر مایحتاج حتی دارو، مسکن و پوشیدنی‌ها و ...) تعمیم داد. موارد خاصی که در روایات، اقلام احتکار مطرح شده‌اند، از باب ذکر مصداق زمان و مکان صدور روایت بوده است و این حکم فرازمانی و فرامکانی نیست؛ بلکه معیار در شمول موارد ممنوعه احتکار، نیاز و احتیاج مردم است و چون بخش بزرگی از وظایف دولت در نظام اقتصادی اسلام در ارتباط با بازار شامل تهیه قوانین و مقررات، تنظیم روابط، اجرای قوانین و کنترل و نظارت بر آنها در چارچوب بازار و نظام معاملات و مبادلات است، بنابراین، حکم ممنوعیت احتکار در مابقی نیازمندی‌های مادی و معنوی جوامع در هر دو شیوه احتکار، مطابق شرایط و نوع نیازمندی‌های ضروری هر عصر و مکانی، جاری و قابل تعمیم است. به خصوص که از دیدگاه اسلام، امکان دخالت دولت در بازار در شرایط عصر و حرج میسر است. در کل امروزه احتکار در معنای عام، تنها شامل مواد غذایی نیست، بلکه هر نوع محصول کشاورزی، معدنی و صنعتی را در بر می‌گیرد. با توجه به نقش مواد غذایی در تأمین نیازهای افراد یک جامعه، امروزه مباحث احتکار بیشتر حول محور مواد غذایی

منابع

فارسی

- گلشنی، محمد، «بررسی احتکار در فقه و قوانین موضوعه»، گفتمان حقوقی، شماره یکم، ۱۳۸۲.
- محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، چاپ دوم، قم، نشر اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، ۱۳۶۲.
- مرتاضی، احمد؛ داعی، لیلا، «ملاحظات شرعی احتکار دارو»، فصلنامه علمی-پژوهشی قرآن و طب، شماره چهارم، ۱۳۹۸.
- مکارم شیرازی، استفتائات، چاپ دوم، قمف نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۹۲.
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۶۷)، احتکار و قیمت‌گذاری، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- میرزاجانی بیجارپسی، معصومه؛ صادقی نیری، رقیه؛ عبدالرحیمی، علیرضا، (۱۳۹۸)، «تبیین قرآنی از باورمندی درونی در جهت مبارزه با احتکار»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، شماره سی‌وسوم.

عربی

- ابراهیم صالح، سعاد، مبادئ النظام الاقتصادي الاسلامی، قاهره، النشر قاهره، ۱۴۱۶.
- ابن‌اثیر، مبارک‌بن محمد، النهایه فی غریب‌الحديث و الانفر، جلد اول، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۷.
- ابن‌ادریس حلی، محمد، السرائر، جلد دوم، قم، چاپ و نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۰.
- اردبیلی، احمدبن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳.

- ابوالحسینی، علی‌اکبر، «گونه‌های مختلف تغییر حکم»، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق، شماره هفتم، ۱۳۸۶.
- اسماعیلی، سمانه؛ عباسیان، پیمان، «واکاوی حقوقی احتکار و تطبیق آن با قاعده فقهی تسلیط»، مجله فقه و حقوق معاصر، شماره سوم، ۱۳۹۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۴.
- خزائی، میثم؛ سیادت، سید محمدحسن؛ لیالی، محمدعلی، «امکان‌سنجی تطبیق افساد فی‌الارض بر احتکار مایحتاج عمومی مردم»، مجله حکومت اسلامی، شماره نودوچهارم، ۱۳۹۸.
- خمینی، روح‌اله، صحیفه نور، جلد نوزدهم، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- خمینی، سید روح‌اله، صحیفه امام، جلد ششم، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- رستمی غازانی، امید و ذکی هاشمی، محمد، «مطالعه تطبیقی بزه احتکار در حقوق کیفری ایران و افغانستان»، دوره ۹، شماره سی‌وسوم، ۱۳۹۹.
- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- عظیمی گرگانی، هادی، «بررسی تطبیقی روایات احتکار در مذاهب اسلامی»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره هفتم، ۱۳۸۶.

- اصفهانی، ابوالحسن، وسیله النجاه (مع حواشی الامام الخميني)، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، ۱۴۲۲.
- انصاری، مرتضی، المكاسب، قم، نشر مجمع الفكر الاسلامي، ۱۴۱۹.
- بهجت، محمدتقی، وسیله النجاه، قم، شفق، ۱۴۲۳.
- جبعی العاملي (شهيد ثانی)، زين الدين بن علي، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلاميه، ۱۴۱۴.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک الوسائل، جلد یازدهم، هند، دائره المعارف نظامی کائنه، ۱۳۴۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشيعه الى التحصيل مسائل الشريعة، جلد سیزدهم، قم، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۸۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، جلد دوازدهم و هفدهم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
- حسینی عاملی، محمد بن جواد، مفتاح الكرامه في شرح قواعد الاعلامه، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۹.
- حلبی، ابوالصلاح، الكافي في الفقه، اصفهان: كتاب-خانه عمومي امام امير المؤمنين (ع)، ۱۴۰۳.
- حلی (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر، قواعد الأحكام في معرفة الاحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳.
- حلی (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر، منتهی المطلب في تحقق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه، ۱۴۱۲.
- حلی (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر، نهایه الأحكام في معرفة الاحكام، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۴۱۰.
- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، مختصر النافع في فقه الاماميه، تهران، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۰.
- خمینی، روح اله، البیع، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۴۲۱.
- خمینی، روح اله، تحرير الوسيله، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰.
- خوانساری، احمد بن يوسف، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۴۰۵.
- خویی، سيد ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد سوم، قم، ناشر مكتبة الدواری علميه، ۱۳۷۱.
- سیدرضی، محمد، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴.
- شمس الدين، محمد مهدی، الاحتکار في الشريعة-الاسلاميه، بيروت، المؤسسة الدولية للدراسات، ۱۴۱۰.
- شهيد ثانی، زين الدين بن علي، الروضة البهييه، بيروت، دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.
- شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علي بن ابی طالب عليه السلام، ۱۴۲۷.
- صدر، محمد باقر، صورة عن اقتصاد المجتمع الاسلامي، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹.
- صدوق، محمد بن علی، المقنع، قم، مؤسسه الامام-الهادی، ۱۴۱۵.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، المبسوط في فقه الإماميه، جلد دوم، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷.

- طوسي، محمد بن حسن، الاستبصار، جلد سوم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣.
- طوسي، محمد بن حسن، الخلاف، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٧.
- طوسي، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الاماميه، تهران، المكتبة المرتضويه لاحياء آثار الجعفريه، ١٣٨٧.
- علامه طباطبايي، سيد محمد حسين، ترجمه تفسير الميزان، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٧٤.
- كركي، علي بن حسين، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٨.
- كليني، محمد بن جعفر بن يعقوب، فروع كافي، جلد پنجم، بيروت، مؤسسه الأعلمي، ١٤٢٦.
- كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي (ط-الاسلاميه)، جلد پنجم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧.
- متقي هندی، علاء الدين علي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الافعال و الاقوال، جلد چهارم، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠١.
- محقق حلي، نجم الدين جعفر بن حسن، شرايع الاسلام، جلد دوم و دوازدهم، قم، نشر استقلال، ١٤٠٩.
- مغنيه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق (ع)، جلد سوم، قم، مؤسسه انصاريان، ١٤٢١.
- مفيد، محمد بن نعمان، المقنعه، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤١٠.
- مفيد، محمد بن نعمان، المقنعه، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ١٤١٠.
- منتظري، حسين علي، درايات في واليه الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه، قم، نشر تفكر، ١٤٠٩.
- موسوي اردبيلي، سيد عبدالكريم، استفتاءات، چاپ اول، قم، نشر نجابت، ١٣٩٢.
- موسوي گلپايگاني، محمدرضا، هدايه العباد، قم، دارالقرآن الكريم، ١٤١٣.
- نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، جلد بيست و دوم، تهران، نشر دار الكتب آخوندي، ١٣٦٧.
- نراقي، احمد بن محمد مهدي، مستند الشيعه في احكام الشريعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٨.
- نوري (محدث)، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد سيزدهم، بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨.